

Evaluating the Theory of Disregarding Hadiths from Non-Shias Due to the Non-Authoritativeness of Single-Narrator Hadiths

Fatemeh Zhian¹

(Received on: 2022-10-30; Accepted on: 2024-05-30)

Abstract

A controversial issue among Muslim scholars is the validity of single-narrator reports (*khavar al-wāḥid*). Scholars have long debated whether such reports are valid and, if so, how their validity is justified. This question directly affects the issuance of religious rulings, the treatment of conflicting hadiths, and the application of such reports in non-jurisprudential contexts. This research employs a descriptive-analytic methodology. Evidence, including statements from both proponents and opponents of the validity of single-narrator reports and the alleged origins of both of these positions in consensus and religious texts, suggests that the disagreement is not fundamental. The rejection of hadiths that align with Sunni views and oppose the school of Ahl al-Bayt on the grounds of their single-narrator status implies that the Shiite theory of invalidity is partly a response to hadiths opposing those from Ahl al-Bayt. This historical context indicates that Shiite scholars' explicit positions might have led to their marginalization within the Islamic world.

Keywords: single-narrator report (*khavar al-wāḥid*), validity of single-narrator report, rejected hadiths, *taqiyya* (dissimulation).

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.
Email: f.zhian@hmu.ac.ir

بررسی صحت نظریه طرد روایات مخالفان با طرح عدم حجیت خبر واحد

فاطمه ژیان^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰]

چکیده

یکی از مسائل اختلافی در میان اندیشمندان اسلامی مسئله حجیت خبر واحد است. این سؤال از دیرباز نزد عالمان دینی مطرح بوده است که آیا از اساس خبر واحد حجت است یا خیر و اگر حجت است، حجیت آن بر مبنای کدام مدرک، موجه می شود. نحوه پاسخگویی به این سؤال در صدور احکام شرعی، نحوه برخورد با اخبار متعارض و سرایت حجیت اخبار آحاد در موضوعات غیر فقهی، تأثیری مستقیم دارد. این پژوهش با روشی توصیفی و تحلیلی به سامان رسیده است. قرائن متعدد از جمله عبارات مشابه موافقان و مخالفان حجیت اخبار آحاد، نسبت دادن هر دو نظر به اجماع و شریعت نشان از آن دارد که این اختلاف نباید اختلافی ریشه ای باشد. البته مردود دانستن روایاتی که موافق آرای اختصاصی اهل تسنن و مخالف نظر مکتب اهل بیت (ع) است با این استدلال که این روایات اخبار آحادند، نشان می دهد که نظریه عدم حجیت خبر واحد در میان عالمان شیعه در واقع گونه ای مواجهه با روایات معارض با روایات اهل بیت (ع) است؛ زیرا در دوران طرح عدم حجیت خبر واحد، شرایط زیست علمی عالمان شیعه به گونه ای بود که صراحت در کلام آنان موجبات تعرض به آنها و کنار نهاده شدن شیعیان از جهان اسلام را فراهم می آورده است.

واژگان کلیدی: خبر واحد، حجیت خبر واحد، اخبار مردود، تقیه.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول) f.zhian@hmu.ac.ir

مقدمه

حجیت و عدم حجیت خبر واحد از دیرباز معرکه تشتت نظرات در مباحث اصولی بوده و از مهم‌ترین مسائل آن به شمار می‌رفته است. این‌گونه مباحث، اختلافات و حواشی آن در میان شیعیان دامنه دارتر از اهل تسنن بوده است. نکته قابل تأمل آنکه مبحث حجیت خبر واحد خصوصاً در میان متأخران امامیه امری جدا از کشف حقیقت صدور روایات است و می‌توان گفت حجیت اخبار آحاد بحث از میزان واقع‌انگاری - در مقابل واقع‌یابی - است. در علم‌آوری خبر واحد اختلاف است؛ به جز گروهی که به «سمنیه»^۱ موسومند. آنها اساساً به علم‌آوری هیچ‌گونه از اخبار باور ندارند و تنها طریق علم را ادارکات می‌دانند و معتقدند که در عالم خارج، نه محسوسات وجود دارند و نه معقولات (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۶۹-۷۰)؛ اما اکثریت صاحب‌نظران آن را علم‌آور نمی‌دانند و برای اثبات عدم علم‌آوری خبر واحد چنین استدلال کرده‌اند که در صورت علم‌آوری خبر واحد، خبر افرادی همچون مضطر و متلاعنین نیز علم‌آور خواهد شد و چنین چیزی محال است^۲ (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۰۲).^۳ حال اگر قرائنی با اخبار آحاد از جمله مطابقت با عقل، ظاهر قرآن، سنت قطعی و اجماع مسلمین و امامیه همراه باشد، خبر از واحد بودن خارج شده و به معلوم ملحق می‌شود (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۳-۴؛ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۴)؛ لذا جایگاه بحث از حجیت یا عدم حجیت آحاد متعلق به مواردی است که همراه این‌گونه قرائن نباشد.

۱. گروهی از دهریان هند که قائل به تناسخند (ر.ک: مشکور، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۳۶).

۲. توضیح آنکه اگر خبر واحد علم‌آور باشد، باید ملتزم شد که گروهی از منقولات خلاف واقع نیز علم‌آورند؛ همچون خبری که فرد از روی اضطرار و ناچاری به دروغ بازگو می‌کند یا در مسئله لعان همسران نیز باید ملتزم شویم که خبر هر دو صحیح است؛ هم ادعای شوهر که زن زنا کرده و هم ادعای زن که زنا نکرده است که جمع نقیضین حاصل می‌شود.

۳. برخی اشکال کرده‌اند که اگر خبر واحد علم‌آور نباشد، تعبد به آن هم صحیح نیست؛ چراکه عمل به ظن جایز نیست (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۰۲).

مفاهیم متعددی از حجیت - به طور خاص حجیت اخبار - ارائه شده است. از جمله این مفاهیم عبارت است از: التزام و عقد قلبی به تعلق خبر به دلیل جعل طریقی در اعتقادات، علم قرار دادن تعبدی غیر علم و جواز اخبار از آن در امور تاریخی و تکوینی (خویی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۲۷۸) و منجزیت و معذرت در احکام عملی (مظفر، بی تا: ص ۳۶۳)؛ اما چنین به نظر می آید که مفهوم حجیت در اصطلاح، چیزی جز همان مفهوم لغوی آن - ما یصح الاحتجاج به - نیست و در علوم مختلف به اعتبار تفاوت ادله مورد استناد آنها معانی متعددی به خود می گیرد؛ بنابراین در علم فقه که موضوع آن احکام است، حجیت به مفهوم معذرت و منجزیت یا به معنای طریقی برای کشف تکالیف مکلفان است. مراد از حجیت در علم اعتقادات، اعتقاد قلبی به مضمون خبر است و در علم تاریخ و امور تکوینی به معنای جواز اخبار از آن به کار رفته است.

در میان اندیشمندان می توان سیدمرتضی را به عنوان نماد منکران حجیت خبر واحد معرفی کرد. او معتقد است که عمل به اخبار، تابع علم است که چنین قطع و علمی در خبر واحد وجود ندارد (سیدمرتضی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۵۳) و اگرچه عقل مانع تعبد به قیاس یا خبر واحد نمی شود؛ اما شارع مقدس ما را متعبد به آنها نکرده است و لذا قیاس و خبر واحد طریقی برای به دست آوردن تحریم و تحلیل نیستند (سیدمرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۱).

شیخ طوسی چنین جایگاهی را در میان طرفداران حجیت خبر واحد داراست. شیخ از حجیت تعبدی اخبار آحاد جانبداری کرده و اگرچه خبر واحد را علم آور نمی داند؛ اما متعبد شدن به خبر را عقلاً و شرعاً جایز می داند و می گوید: تعبد به امری به دلیل مصلحت موجود در آن است و محتمل است که شارع به دلیل مصلحتی، خبر واحد را حجت بداند؛ هرچند این دلالت مشروط به وجود اوصافی در راوی باشد - همانند عدالت یا وثاقت راوی - که موجب ظن به صدق خبر او شود. شیخ، اجماع شیعیان بر عمل به روایات مدوّن

در اصول، عدم تفسیق صاحبان آرای متفاوت و گاه متعارضی فقهی و تمیز راویان موثق از غیر موثق توسط رجالیان شیعه را از ادله جواز تعبد به اخبار آحاد ثقات شماره می‌کند (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷ و ۱۳۹).

بنابراین اوج تضارب آرا در حجیت خبر واحد در اوایل قرن پنجم هجری و در کلام سیدمرتضی و شیخ طوسی دیده می‌شود و می‌توان قائلان به عدم حجیت خبر واحد را طرفداران مکتب سیدمرتضی دانست و قائلان به حجیت آن را طرفداران مکتب شیخ نامید. بعضی برآنند که عدم حجیت خبر واحد تنها دوره کوتاهی از زمان سیدمرتضی تا ابن‌ادریس خواهان داشته و به طول انجامیده (مظفر، بی تا: ج ۲، ص ۶۵) و در مقابل برخی معتقدند که این نظریه مدت مدیدی تا عصر علامه حلی بر حوزه‌های فقهی شیعی تسلط داشته است (مصطفوی فرد، ۱۳۹۷: ص ۱۳۵).

گاه طرح می‌شود که میان نظرات شیخ و سیدمرتضی تنافی وجود ندارد؛ چرا که مراد شیخ از حجیت خبر واحد، حجیت اخبار مدون در کتب و مراد سیدمرتضی از عدم حجیت آن، حجیت نداشتن اخبار آحاد بالاصاله است (نراقی، ۱۴۱۷: ص ۴۴۴-۴۴۵) و بعضی دیگر نیز ریشه این اختلاف را کلامی دانسته‌اند و معتقدند که متکلمان شیعه در محاجه با اهل تسنن حجیت خبر واحد را انکار می‌کردند تا آنان نتوانند با استناد به روایات خود به تخطئه شیعه پردازند (معارف، ۱۳۷۴: ص ۵۲۳).

این پژوهش در راستای سنجش صحت توجیهات مطرح شده در چرایی اختلاف علمای شیعه در حجیت یا عدم حجیت خبر واحد انجام شده است و به واکاوی قرائن موجود خصوصاً در بازه زمانی قرن پنجم هجری و اندکی پس از آن که نقطه اوج تشتت آرای در این مسأله است، می‌پردازد؛ چرا که هرچه به عصر حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، توافق بر سر حجیت خبر واحد پررنگ‌تر شده است و حتی می‌توان گفت که علما در مناطق حجیت

آن نیز هم‌داستان‌تر شده‌اند. مسئله اصلی که این نوشتار درصدد پاسخ به آن برآمده، یافتن قرائنی است که علت پیدایش دو جبهه مخالفان حجیت خبر واحد و موافقان حجیت آن خصوصاً در عصر شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی را توجیه کند.

پیشینه بحث

این پژوهش دارای پیشینه‌ای عمومی است و سوای طرح آن در کتب اصول فقه، در مقالات متعددی با موضوع کلی حجیت خبر واحد بدان پرداخته شده است؛ اما هرکدام با نگاهی متفاوت به این مسئله پرداخته‌اند (ر.ک: مهریزی، ۱۳۸۹: ص ۲۲-۲۳؛ محمدی، ۱۳۹۷: ص ۴۵-۴۸). تعدادی از این نوشتارها به بیان ملاک و معیار حجیت خبر واحد یا بررسی و نقد ملاکات طرح شده توسط دیگران پرداخته‌اند؛ همچون مقاله «بازپژوهی حجیت خبر واحد با استناد بر سیره عقلا»، نوشته آقای بیجستانی که به بررسی مهم‌ترین مدرک حجیت خبر واحد یعنی سیره عقلا و تعارض آن با آیات ناهیه از پیروی ظن پرداخته است. مقاله دیگر تحت عنوان «بازخوانی ادله متنی حجیت خبر واحد در پرتوی سیره عقلا»، نوشته فخلعی نیز به بررسی سیره عقلا در اثبات حجیت خبر واحد پرداخته و سایر ادله متنی (آیات و روایات) را مقرر چنین سیره‌ای دانسته است.

گروهی از تألیفات درصدد بیان حیطه و تعیین محدوده حجیت خبر واحد برآمده‌اند؛ همانند مقاله «حجیت خبر واحد در اثبات گزاره‌های اخلاقی»، نوشته عالم‌زاده نوری که حجیت و مورد استناد بودن اخبار را در موضوعات اخلاقی، بررسی نموده است. مقاله «تعمیم حجیت خبر واحد به گزاره‌های تفسیری و عقیدتی»، نوشته احمدی که به اعتبار اخبار آحاد در حیطه تفسیر و مسائل اعتقادی می‌پردازد. مقاله «اعتبار خبر واحد در مباحث غیراخلاقی» نوشته کلانتری نیز استناد به اخبار آحاد را در موضوعات غیراخلاقی مورد بررسی قرار داده است. براساس آنچه بیان شد هیچ نوشتاری به فراهم آوردن علل این

اظهارات متناقض یا متناقض نما در اصل حجیت اخبار آحاد در کلام متقدمان نپرداخته است و نوآوری این پژوهش در فراهم آوردن قرائن و شواهدی است که بتواند یکی از نظرات طرح شده در توجیه تعارضات نظر شیخ و سید را راجحان دهد.

۱. بررسی اظهارات جانبداران حجیت و عدم حجیت اخبار آحاد

در حواشی اظهارات و استدلال‌های موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد، برخی مطالب قابل توجه و گاه تعجب برانگیز دیده می‌شود که کمتر مورد دقت نظر قرار گرفته است. اینک به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

۱-۱. ادعای اجماع بر حجیت و عدم حجیت خبر واحد

یکی از شگفتی‌هایی که در اظهارات سردمداران این دو مکتب به روشنی قابل مشاهده است، ادعای اجماع هر دو گروه بر نظر خویش است. شیخ مفید در اوائل المقالات، عدم حجیت را به جمهور شیعیان، بسیاری از معتزله، محکمه و گروهی از مرجئه در مقابل اهل تسنن و اصحاب رأی نسبت می‌دهد؛ «إنه لا يجب العلم ولا العمل بشيء من أخبار الآحاد ولا يجوز لأحد أن يقطع بخبر الواحد في الدين... وهذا مذهب جمهور الشيعة وكثير من المعتزلة والمحكمة وطائفة من المرجئة وهو خلاف لما عليه متفقه العامة وأصحاب الرأي» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۲۲).

سیدمرتضی نیز که در فقه خود جایگاه ویژه‌ای برای اجماع قائل است،^۴ نظریه عدم حجیت خبر واحد را به اجماع سلف و خلف، متقدم و متأخر نسبت داده است و

۴. سیدمرتضی در حجیت اجماع می‌گوید: «اگر شیعه بر امری اجماع کند، ما به صحت آن قطع می‌یابیم و اینکه به چه دلیل آنها اجماع کرده‌اند، اهمیت ندارد» (سیدمرتضی، بی تا: ج ۱، ص ۱۹)؛ گرچه در مورد اجماع در نظر وی گفته شده است: «اجماع در نظر ایشان همان تلقی به قبول اصحاب است... مثلاً اگر در روایتی شش فقره ذکر شده باشد که دو تای آنها در بین اصحاب مشهور باشد فقط همان دو را می‌پذیرد و به چهار فقره دیگر کاری ندارد» (وبگاه دروس و آثار آیت‌الله سیداحمد مددی موسوی: <http://dorous.ir/persian/article/۱۷۲۸۸۰/>).

مشهور بودن شیعه به چنین اعتقادی را از واضحات می‌داند (سیدمرتضی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۰۳) و حتی آن را علم ضروری به شمار می‌آورد و می‌افزاید باورمندی شیعه به عدم حجیت اخبار آحاد همچون رأی ایشان در بطلان استفاده از قیاس واضح است (سیدمرتضی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۴) تا جایی که این نظر شیعه بر مخالفان آنان پنهان نمانده و یکی از شعارهای شیعه به حساب می‌آید و بدان شناخته می‌شود؛ «أن ذلك صار شعارا لهم يعرفون به كما أن نفي القياس في الشريعة من شعارهم الذي يعلمه منهم كل مخالف لهم» (سیدمرتضی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۰۹).

ابوصلاح حلبی یکی دیگر از فقها و متکلمان قرن چهارم و پنجم عدم جواز اخذ و عمل به خبر واحد را به همگان نسبت داده است (ابوصلاح حلبی، ۱۴۱۷: ص ۳۹۷). ابن‌ادریس نیز بر عدم حجیت خبر واحد ادعای اجماع کرده (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۳۰) و معتقد است که خبر واحد مورد توجه و عمل امامی مذهب‌ان نیست؛ «أن أخبار الآحاد عند أصحابنا غیر معمول علیها ولا یلتفت به» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۷۱). ابن‌شهر آشوب نیز این اعتقاد را یکی از مشخصات شیعیان و از موجبات تمییز و جدایی پیروان این مکتب از مخالفانشان دانسته است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۲۸: ج ۲، ص ۵۱-۵۴).

از سویی دیگر شیخ طوسی حجیت خبر واحد و عمل بدان را اجماع طایفه محقه دانسته و دلایلی بر این ادعا بیان کرده است (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۲۶). سیدبن طاووس نیز معتقد است که خبر واحد، نه تنها نزد شیعیان بلکه نزد جمیع مسلمانان - مگر اندکی - حجت است (سیدبن طاووس، ۱۴۱۱: ص ۳۲۲).

ادعای اجماع بر سر دو نظر متعارض خصوصاً از جانب شیخ و سیدمرتضی که در یک عصر و یک مکان زیست کرده‌اند، موجب شگفتی بسیاری شده است (فیض، ۱۳۸۲: ص ۲۲۹) و برخی را بر آن داشته تا در صدد یافتن وجه یا وجوه جمع میان این تعارض برآیند. آنها احتمالاتی را مطرح کرده‌اند؛ همچون فضای متفاوت انسداد و افتتاح در زمان

سید و شیخ (ر.ک: آقاضیاء، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۸۳) یا آنکه مراد سید از اجماع در مقام نظر است و اجماع ادعایی شیخ در مقام عمل است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۳۳۰؛ مددی موسوی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۲-۱۱۹).

علاوه بر نظرات پیش گفته از سوی علمای اصول که بعضاً مورد انتقاد قرار گرفته است، چندین احتمال دیگر نیز به ذهن متبادر می‌شود:

الف) اولین احتمال آنکه موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد از دیدگاه دیگران و مخالفان نظر خویش بی اطلاع بوده‌اند؛ اما با توجه به هم عصر بودن شیخ و سید مرتضی، اقامت هر دو در بغداد، بهره بردن شیخ از محضر سید مرتضی به عنوان دانش آموخته او در سالیان نه چندان اندک و خصوصاً اشارات هر دو به کلام و نظر دیگری این احتمال را نه آنکه بعید، بلکه منتفی می‌کند.

ب) احتمال دوم آن است که در مفهوم اجماع دخل و تصرف شود؛ این گونه که مراد از اجماع را قول مشهور بدانیم که در این صورت همچنان تعارض پابرجاست یا آنکه مراد از اجماع در کلامشان را تلقی به قبول کنیم که این احتمال نیز با توجه به مفهوم اجماع و ظاهر عبارات صاحب نظران بعید به نظر می‌رسد. همچنین دخل و تصرف در معنای اجماع به صورت اجماع قولی نزد سید و اجماع فعلی نزد شیخ با توجه به قرائن موجود در کلام آن دو، مردود است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۳۳۰).

ج) احتمال سوم آنکه در مفهوم خبر واحد تصرف کنیم و ملتزم شویم که مراد هر یک از اخبار آحاد، گروهی از روایات بوده که مصادیق آن منطبق با مراد دیگری نبوده است. همان گونه که بیان شد احتمالات دیگر محصل و مؤیدی ندارد و موجب رفع یا جمع دو متعارض نمی‌شود و با توجه به قرائنی که پس از این ذکر می‌شود، احتمال اخیر مؤیداتی بیش از نظرات و احتمالات دیگر می‌یابد؛ اما سؤال اینجاست که چگونه در مفهوم خبر واحد تصرف کنیم که به حقیقت نزدیک تر باشد. با ارائه دیگر شواهد واضح خواهد شد.

۲-۱. نسبت دادن عدم حجیت خبر واحد به شریعت

گاهی قائلان به عدم حجیت اخبار آحاد، رأی خویش را به شریعت نسبت داده‌اند و از آنجا که شریعت را با «ال» آورده‌اند و بارها تصریح کرده‌اند که غیرشیعیان خبر واحد را حجت می‌دانند، ظاهراً مرادشان از شریعت، طریقه استنباط احکام در مذهب شیعه است؛ از جمله این افراد می‌توان به سیدمرتضی (سیدمرتضی، بی‌تا: ص ۴۳۵؛ سیدمرتضی، بی‌تا: ص ۴۶؛ سیدمرتضی، بی‌تا: ص ۵۸)، ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷: ص ۲۰۸؛ ص ۷۶؛ ص ۲۳۵؛ ص ۳۱۷) و ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۳۴) اشاره کرد که با تعبیری همچون «لا يجوز العمل بها فی الشریعة»، عدم حجیت را به شریعت منسوب کرده‌اند. این امر می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این مطلب که چه بسا مراد از عدم حجیت اخبار آحاد نزد امثال سیدمرتضی، عدم حجیت اخبار مورد استناد اهل تسنن در اثبات احکام یا عقاید مقابل آرای شیعیان است؛ گرچه این دلیل نمی‌تواند دلیلی مستقل به شمار رود و نیازمند شواهد دیگری نیز هست.

۳-۱. نسبت دادن پابندی به اخبار آحاد به مخالفان شیعه

صاحب نظران معتقد به حجیت اخبار آحاد، علاوه بر اینکه این نظر را به اجماع یا جمهور و شریعت شیعیان نسبت داده‌اند، عمل به خبر واحد را از خصوصیات فقه اهل تسنن به شمار آورده‌اند. سیدمرتضی معتقد است که عمل به خبر واحد با مذهب مخالفان امامیه موافقت دارد، نه شیعیان (سیدمرتضی، ۱۳۶۲: ص ۳۵۴). ابن ادریس نیز احتجاج به خبر واحد در موضوعات مختلف را از ویژگی‌های مذهب مخالفان امامیه می‌داند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۸). محقق حلی می‌گوید: عمل به قیاس و خبر واحد از مشخصات مخالفان شیعه است (محقق حلی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۵). ابن شهر آشوب اعتقاد به عدم

حجیت خبر واحد را از مشخصات شیعه نسبت به مخالفانشان دانسته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ج ۲، ص ۵۱ و ۵۴). این مطلب با در نظر داشتن بهره‌وری علمای شیعه از اخبار آحاد - در مفهوم رایج آن - فرضیه مطروح را که چه بسا مراد از عدم حجیت خبر واحد، عدم حجیت اخبار مخالفان شیعه باشد، نیرو می‌بخشد.

۴-۱. تصریح به تقابل خبر واحد با روایات اهل بیت (ع)

شیخ مفید در موضوع جواز تخصیص آیات قرآنی با خبر واحد می‌نویسد: «لایجوز تخصیص العام بخبر الواحد لأنه لا یوجب علماً ولا عملاً وإنما یخصه من الأخبار ما انقطع العذر بصحته عن النبی (ص) وعن أحد الأئمة (ع)؛ جایز نیست عام با خبر واحد که موجب علم و عمل نیست، تخصیص خورد و آیات قرآنی تنها با اخبار صحیح پیامبر (ص) و ائمه (ع) که موجب قطع عذر شوند، تخصیص می‌پذیرد» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۸). در کلام وی خبر واحد در مقابل خبر صحیح معصومان (ع) قرار گرفته است.

سید مرتضی نیز در بررسی روایتی که در برخی منابع اهل تسنن همانند سنن ابی داود، سنن نسائی و سنن ابن ماجه نقل شده است، می‌نویسد: «هذا خبر واحد... ولنا من أخبارنا التي نروها عن أئمتنا (ع)؛ این خبری واحد است در حالی که ما به اخبار و روایاتی که از ائمه (ع) نقل کرده‌ایم، مراجعه می‌کنیم» (سید مرتضی، بی تا: ص ۳۵). کراچکی از علمای قرن پنجم این مطلب را به طور واضح‌تر بیان می‌کند؛ وی از سیره علمای اهل تسنن که بر اعتماد و عمل به اخبار آحاد و کنار نهادن روایات اهل بیت (ع) مستقر شده است، اظهار تعجب می‌کند و می‌نویسد: «من عجیب أمرهم، وظاهر عنادهم: أنهم یرون وجوب العمل بأخبار الآحاد، فإذا أورد إليهم خبر عن أحد العترة الأبرار، والأئمة الأطهار، أهل بيت النبوة، ومعدن العلم والحكمة صلوات الله عليهم أجمعين لم یصغوا إليه، ... وكان عندهم دون أخبار

الآحاد رتبة، وأقلّ منها درجة؛ از روش و دشمنی آنان تعجب می‌نمایم؛ چگونه آنان وجوب عمل اخبار آحاد را بیان می‌کنند اما اگر روایتی از یکی از عترت ابرار، ائمه اطهار، معدن علم و حکمت (صلوات الله علیهم اجمعین) برایشان بازگو شود، نمی‌پذیرند... نزد آنان رتبه اخبار ائمه (ع) پایین‌تر از خبر واحد است! (کراجکی، ۱۴۲۱: ص ۱۵۱-۱۵۲). در کلام وی خبر واحد به وضوح در مقابل اخبار ائمه (ع) قرار گرفته است. این‌گونه تقابل که خبر واحد بدون حجت در مقابل اخبار اهل بیت دارای حجت در نظر آورده شده است، خود به عنوان دلیلی واضح بر اثبات فرضیه پیشین - مراد از عدم حجیت خبر واحد، اخبار اهل تسنن باشد - به شمار می‌رود.

۱-۵. تصریح به ملاک بودن پذیرش و عمل امامیه در حجیت و اعتبار اخبار

شیخ مفید در شماره کردن اخبار علم‌آور دارای حجیت از متواترات و اخبار همراه قرینه نام می‌برد و حتی مراسلات مورد عمل امامیه را نیز از اخبار علم‌آور به حساب می‌آورد (مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۸). در کلام شیخ مفید به وضوح نمایان است که روایات مورد عمل امامیه از اقسام خبر واحدی که منکر حجیت آن است، به شمار نمی‌رود؛ چراکه وی معتقد است که اخبار مورد عمل امامیه هر چند مرسل باشند، علم‌آورند.

سید مرتضی نیز می‌نویسد: «در اکثر مسائل فقهی با اخبار متواتر به سیره ائمه (ع) یقین داریم و در موارد اندک باقیمانده، به اجماع امامیه عمل می‌نماییم» (سید مرتضی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۱۲). وی به صراحت، روایات مورد اجماع شیعیان را - صرف نظر از اینکه دلیل اجماع آنان چیست - علم‌آور و قطعی می‌داند: «فإذا أجمعوا على شيء قطعنا على صحته، وليس علينا أن نعلم دليلهم الذي أجمعوا لأجله؛ اگر امامیه بر حکمی اجماع کنند، به صحت آن حکم قطع می‌یابیم و بر ما نیست که بدانیم دلیل اجماع آنها بر این حکم چیست» (سید مرتضی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۹).

محقق حلی نیز بر آن است که خبر متواتر به دلیل یقینی بودن حجت است و مابقی اخبار اگر مطابق عمل اصحاب امامیه بود، حجت و الا حجت نخواهد بود (محقق حلی، بی تا: ص ۲۹). از کلام محقق حلی جایگاه عمل امامی مذهببان در اعتباریابی روایات و خروج از قسم اخبار آحاد بدون حجت مشخص می شود. تمامی این شواهد نشانگر آن است که آنچه از اخبار فاقد حجیت است، اخبار معرض عنه مکتب اهل بیت (ع) است، نه مطلق اخبار آحاد.

۱-۶. استدلال به آیه نبأ در نفی حجیت خبر واحد

یکی از مستندات طرفداران عدم حجیت خبر واحد برای اثبات این دیدگاه، استناد به آیه نبأ است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ای مومنان اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک، واری کنید، مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و از آنچه کرده اید، پشیمان شوید» (حجرات: ۶). طبرسی ذیل این آیه می نویسد: «این آیه دلالت دارد که خبر واحد، نه موجب علم می شود و نه عمل (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۱۹۹) و حتی شیخ طوسی که به جانبداری از حجیت خبر واحد معروف است نیز از آیه چنین استنباط می کند که خبر واحد موجب علم و عمل نمی شود (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۳۴۳).

استدلال به این آیه در اثبات عدم حجیت خبر واحد می تواند قرینه ای بر این امر باشد که مراد از عدم حجیت خبر واحد، عدم حجیت خبر فاسقان است و نه مطلق اخبار آحاد؛ چراکه موضوع بحث در آیه نبأ تردید در اخبار فاسقان و بررسی صحت آن است، نه مطلق اخبار واحد. البته یکی از مصادیق فاسقان در نزد امامیان، افرادی هستند که از مکتب اهل بیت (ع) روی گردان شده اند؛ گرچه فاسقان اختصاص به غیر امامیان ندارد؛ اما این امر به عنوان چراغ راهی در کنار سایر قرائن می تواند محل نزاع در حجیت اخبار آحاد را

نمایان سازد و آنچه مسلم است آن است که مراد از عدم حجیت اخبار آحاد، جمیع آنها نیست و گرنه استناد به این آیه که موضوعش روایات افراد خاص - فاسقان - است، نه تمامی روایات، در انکار حجیت خبر واحد وجهی ندارد.

۷-۱. برخورد دوگانه با خبر واحد

تعارضاتی - یا به تعبیر مناسب تر تعارض نماهایی - در کلام و شیوه عمل برخی از فقها در مواجهه با اخبار آحاد به چشم می خورد؛ کما اینکه سید مرتضی که بر عدم حجیت خبر واحد پافشاری می کند، هنگام استنباط احکام شرعی مکرر در مکرر از اخبار آحاد بهره می برد.^۵ قابل توجه است که خود سید نیز در جوابات المسائل الثبائیات این امر را در قالب شبهه طرح کرده و آن را نشانه کم مهری و اتهام به فطانت و دیانت علما دانسته است (سید مرتضی، بی تا: ج ۱، ص ۲۲).

شیخ طوسی نیز گاه ابراز می کند که خبر واحد موجب علم و عمل نیست و نمی توان بر آن تکیه نمود (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۶۹ و ۷۲؛ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۴، ص ۱۶۹ و ۱۷۲) و گاه به صراحت از حجیت اخبار آحاد و مردود دانستن نظر مخالفان حجیت سخن به میان می آورد (طوسی، ۱۴۱۷ ج ۲، ص ۵۳۸).

محقق حلی نیز گاه اخبار آحاد را فاقد حجیت می داند (محقق حلی، بی تا: ج ۱، ص ۲۸ - ۳۳) و گاه آنها را بالحاظ ایمان، عدالت و ضبط راوی می پذیرد (محقق حلی، ۱۴۰۳: ص ۱۴۸ - ۱۴۹)؛ به گونه ای که صاحب کشف الرموز شگفتی خود را از برخورد دوگانه محقق با این تعبیر مطرح کرده است: «چگونه ایشان گاهی به ضعیف ترین اخبار آحاد عمل می کند و گاهی می گوید که به خبر واحد عمل نمی کنم، گرچه از جهت سندی صحیح باشد» (فاضل

۵. سید مرتضی در ابواب مختلف فقهی (ر.ک: پایان نامه حدیث ضعیف و چگونگی تعامل با آن بر پایه رویکرد قدما؛ نوشته حسین پوری، ص ۱۰۱-۱۱۱) و تفسیر، مکرر از روایات بهره برده است (ر.ک: درزی رامندی؛ نیلساز، ۱۳۹۸).

آبی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۳۴۴). وی می‌افزاید: «با وجود آنکه محقق حلی ادعا دارد که اخبار آحاد را باید ترک گفت، کتابش در ابواب نماز، حج، حدود و دیات مملو از این گونه منقولات است» (فاضل آبی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۱۰۳).

این برخورد دوگانه نشانی دیگر از آن است که هنگامه سخن از عدم حجیت اخبار، نوعی از اخبار مدنظر است که در زمان استدلال، استناد و عمل به اخبار مدنظر نیست، وگرنه سخن سید، سخن سنجیده‌ای است که اگر به فردی از علما چنین مطلبی نسبت داده شود که در مقام نظر قائل بر عدم حجیت است و در مقام عمل مکرر از روایات بهره می‌برد، طعنی است در هوشیاری و دیانت آنان؛ «فهو غاية سوء الظن بهم، والتناهي في الطعن: اما على فطنتهم، أو ديانتهم» (سیدمرتضی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۲-۲۳).

۲. بررسی برخی اخبار آحاد مردود دانسته شده

در این بخش به مواردی از روایات که به دلیل واحد بودن مردود دانسته شده است، پرداخته می‌شود تا مراد از خبر واحد و مصادیق اخبار واحد مردود اعلام شده، واضح‌تر گردد. برای این منظور ابتدا با تفصیل بیشتری اظهارات سیدمرتضی که از معروفان به انکار حجیت خبر واحد است، بیان می‌شود و سپس سخنان سایرین بیان خواهد شد.

در اکثر قریب به اتفاق مواردی که سیدمرتضی روایتی را به جهت خبر واحد بودن، مردود دانسته است، محتوا و مضمون روایت مخالف اجماع یا جمهور شیعیان است و در توضیح تعدادی از این موارد - به فرض صحت انتساب به معصومان - به صدور روایت از باب تقیه یا احتمال آن نیز تصریح شده است.

به عنوان نمونه در مسئله «بیع امهات اولاد» می‌نویسد: «وأكثر ما يدّعيه المخالفون... وهذا خبر واحد... ولو صحّ لم يكن مصححا للاجتهاد الذي يدّعيه المخالفون، لأنّه يمكن - على مذهبنا في حسن التقيّة بل على وجوبها في بعض الأحوال - أن يكون عليه

السلام أظهر موافقة عمر لما علمه في ذلك من الاستصلاح، ولمّا زال ما أوجب اظهار الموافقة أظهر المخالفة» (سیدمرتضی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۶۸). در این عبارات به وضوح دیده می شود که آنچه او در مقام رد آن است، روایاتی است که مخالفان نظر او روایت کرده اند و علاوه بر ضعف سند، احتمال صدور آن را از باب تقیه به دلیل مخالفت با فقه شیعه و اهل بیت (ع) قوی می داند.

سیدمرتضی در مورد مشابه دیگر می نویسد: «وهذا بخلاف ما ذكرتموه قلنا هذا خبر واحد لا يلتفت اليه وبعد فانه نحمله على التقية لانه موافق لبعض العامة والاجماع على خلافه من الطائفة؛ این روایت با آنچه ما بیان کردیم، مخالف است و بیان کردیم که خبر واحد مورد توجه و عمل نیست، خصوصاً بعد از آنکه ما این روایت را به جهت موافقت با رأی اهل تسنن و تعارض با اجماع شیعیان حمل بر تقیه کردیم» (سیدمرتضی، ۱۳۵۲: ص ۸۶). با وجود آنکه سیدمرتضی به مدرک اجماع بهای بسیار می دهد، در نقد روایت «لا تجتمع أمّتي على خطأ» که منقول از طریق اهل تسنن است، می گوید: «وهذا الخبر لا شبهة في فساد التعلّق به، لأنّه من أخبار الآحاد التي توجب الظن، ولا توجب علماً ولا عملاً» (سیدمرتضی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۳) و در اعتراض به روایتی در صحیح بخاری می گوید: «هذا خبر واحد ضعيف من أضعف أخبار الآحاد، ولا معول على مثل ذلك» (سیدمرتضی، ۱۹۹۸: ج ۲، ص ۳۹۴) و ...^۶

موارد دیگری که سیدمرتضی روایات اهل تسنن را خبر واحد نامیده و آن را مردود اعلام کرده اند، در این موارد قابل مشاهده است: ذیل تفسیر آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) (سیدمرتضی، بی تا: ص ۲۳۴)؛ نقد روایتی از ابوهریره (سیدمرتضی، بی تا: ص ۲۴۹)؛ انتقاد به روایتی منقول از طریق اهل تسنن در باب نکاح (سیدمرتضی، بی تا:

۶. ر.ک (سیدمرتضی، ۱۹۹۸: ص ۵۱۹، ۵۲۸، ۵۳۹، ۵۴۷؛ سیدمرتضی، بی تا: ج ۱، ص ۲۳۵؛ سیدمرتضی، بی تا: ج ۲، ص ۱۳؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۹؛ ج ۲، ص ۱۵۲؛ ج ۳، ص ۷۷؛ ج ۳، ص ۹۰؛ ج ۳، ص ۲۰۷؛ ج ۳، ص ۲۳۳؛ سیدمرتضی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۷۹۰؛ ج ۲، ص ۶۹۷؛ سیدمرتضی، بی تا: ص ۱۶۹)

(۲۸۳)؛ رد استدلال شافعی به روایتی (سیدمرتضی، بی تا: ص ۳۷۳) و در انتقاد به روایتی که در سنن ابی داود، سنن نسائی و سنن ابن ماجه نقل شده است، به صراحت می گوید: «هذا خبر واحد لا یوجب علما ولا یقتضی قطعا، وإنما تثبت الأحكام بما یقتضی العلم، ولنا من أخبارنا التي نرویها عن أئمتنا (ع)» (سیدمرتضی، بی تا: ص ۳۵۱). در اعتراض به روایتی در سنن ابن ماجه می نویسد: «فالجواب عنه أن هذا خبر واحد لا نعرفه وأنتم تنفردون به، ونعارضه بأخبار لنا كثيرة موجودة في الكتب» (سیدمرتضی، بی تا: ص ۳۷۹). در موضعی دیگر در اشکال به روایتی از سنن دارمی و بیهقی می نویسد: «فإن اعترض المخالف بما يروونه عن النبي (ص)... فالجواب عن ذلك أن هذا خبر واحد» (سیدمرتضی، بی تا: ص ۴۳۵). او در موضعی دیگر از همان کتاب می نویسد: «فإن احتج المخالف بما رواه قتادة... فالجواب عن ذلك أن هذا خبر واحد لا یخصص به ظواهر الكتاب الموجبة للعلم. وقد طعن في هذا الخبر، بأن قتادة دلّسه وقال: عن سمرة، ولم يقل: حدثني» (سیدمرتضی، بی تا: ص ۵۱۶).^۷ همان گونه که مشاهده می شود در تمامی این موارد آنچه سیدمرتضی خبر واحد خوانده است، اخبار مخالفان شیعه یا اخبار شیعی هم داستان با آرای اهل تسنن است که گاه از جهات دیگر همچون سند نیز مطعون هستند.

شیخ طوسی نیز در مواضع متعدد روایات مطابق با نظر اهل تسنن را خبر واحد نامیده و علی رغم آنکه به حجیت اخبار آحاد باورمند است، این روایات را مردود دانسته است؛ در رد روایتی که در صحیح بخاری، سنن ابی داود، سنن دارقطنی، سنن نسائی، سنن ترمذی در موضوع طلاق زن نقل شده است، می نویسد: «إن هذه الاخبار كلها أخبار آحاد ونحن لا نعمل بها» (طوسی، بی تا: ج ۴، ص ۴۴۸). شیخ طوسی گاه روایات تقیه ای را خبر واحد نامیده است؛

۷. موارد انگشت شماری نیز دیده می شود که سیدمرتضی روایتی را که از طریق شیعه نقل شده، مردود دانسته است (ر.ک: سیدمرتضی، ۱۹۹۸: ج ۲، ص ۳۹۶).

به عنوان نمونه در اشکال به روایتی در وجوب غسل می نویسد: «این روایت مرسل مقطوع خبر واحد است و توان مقابله با اخبار مسند را ندارد و احتمالاً از باب تقیه باشد؛ چراکه موافق مذهب اهل سنت است» (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۱۱۲). وی گاه روایات مخالف نظر خویش را نیز با استدلال به خبر واحد بودن، رد کرده است (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۶۶؛ ج ۲، ص ۶۹؛ ج ۲، ص ۷۲؛ ج ۲، ص ۸۶؛ ج ۱، ص ۹۲) و... پژوهشگرانی نیز تمامی روایاتی را که در تألیفات شیخ به دلیل واحد بودن، مردود اعلام شده اند، بررسی کرده و چنین اظهار کرده اند که جز اعتراض شیخ در ابتدای تہذیب -اولین تألیف او- به اصل خبر واحد، در مابقی موارد او در مقام تعارض دو خبر بوده یا اعتراضش به خبر واحد در جایگاهی است که روایت از طریق عامه نقل شده است (ر.ک: مددی موسوی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۷-۱۰۸).

در کلام برخی از اهل تحقیق نیز به این روش شیخ و سید مرتضی که اخبار مخالفان را خبر واحد نامیده و آنها را مردود دانسته اند، تصریح شده است: «از کتاب عده شیخ مشخص می شود که اخبار آحادی که امامیه تدوین کرده باشند، مورد عمل است؛ اما روایاتی که مخالفان تدوین کرده باشند، حجت نیست و مورد اعتماد نمی باشد و این امر با آنچه از سیرۀ سید مرتضی سراغ داریم، موافق است» (مازندرانی، بی تا: ص ۲۳۵).

ابن زهره (ر.ک: ابن زهره، ۱۴۱۷: ص ۱۳۶، ۲۰۷، ۳۲۲، ۳۵۹) و نیز شیخ علی سبزواری از فقهای قرن هفتم گاه روایات اهل تسنن را خبر واحد نامیده است^۸ (سبزواری، ۱۳۷۹: ص ۴۵۹، ۹۰، ۳۸۳، ۶۶، ۶۹، ۳۹۹). ابن براج نیز در یکی از مسائل مرتبط با بیع، روایات مخالف فتوای خویش را اخبار آحاد می نامد؛ «وما یرویه المخالف مما یقتضی الخلاف لما ذکرناه، اخبار آحاد لا تقتضی علماً» (ابن براج، ۱۴۱۱: ص ۵۸).

۸. البته نباید دور از نظر داشت که او گاه روایات صحیح السند کتب اربعه را به دلیل مخالفت با فتوایش، خبر واحد و مردود دانسته است (ر.ک: سبزواری، ۱۳۷۹: ص ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۱۹).

۳. اشاراتی به فرضیه پژوهش در کلام محققان

این فرضیه که انکار حجیت خبر واحد اختصاص به جمیع اخبار آحاد ندارد و مراد، آحاد خاص است، در سخن برخی از اهل تحقیق بازتاب داشته است؛ گروهی هم داستان با فرضیه این پژوهش عدم حجیت را مختص به اخبار غیر امامیان می دانند. از جمله آقاضیاء عراقی که می نویسد: «سیدمرتضی از باب تقیه و توریه حجیت خبر واحد را علی الاطلاق منکر شده است و گرنه هدف او نفی حجیت روایات وثوق الصدور نیست، علاوه بر روایاتی که وثوق به کذب آنها وجود دارد» (آقاضیاء، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۸۳). همچنین شهید صدر می گوید: «...یحصل الظن الاطمئناني بأنَّ السید المرتضی (قده) لم یکن یقصد ظاهر کلامه و یتقوی أن یكون المقصود من طرح هذه المسألة - وهي عدم حجیة أخبار الآحاد - للتخلص من أبناء العائمة» (صدر، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ص ۹۶). مجید معارف نیز تلویحاً به این مطلب اشاره نموده است؛ گرچه او عدم حجیت اخبار آحاد را به مسائل کلامی منحصر می داند (معارف، ۱۳۷۴: ص ۵۲۳) که نگارنده به جهت شواهد ذکر شده در بخش پیشین، بدان معتقد نیست.

برخی هم همچون نراقی - ضمن بیان عدم تعارض میان اجماع شیخ و سیدمرتضی - مراد شیخ از حجیت خبر واحد را حجیت اخبار مدون در کتب و مراد سیدمرتضی از عدم حجیت خبر واحد را عدم حجیت اخبار آحاد بالاصاله می داند. نراقی بیان می کند که سید نیز اخباری را حجت می داند که نزد شیخ حجت است: «ووجه عدم التنافی: أنَّ محلَّ الدعویین مختلف، فإنَّ مراد السید نفی حجیة الخبر الواحد من حیث إنه خبر واحد، أي حجیة کل خبر و مراد الشیخ حجیة تلك الأخبار المروية بطرق أصحابنا، المدونة في كتبهم، التي صرح السید في المسائل التبانیات بأنها معلومة، مقطوع علی صحتها» (نراقی، ۱۴۱۷: ص ۴۴۴-۴۴۵).

نتایج

۱- در بیانات طرفداران عدم حجیت خبر واحد و جانبداران حجیت آن نکات قابل توجهی وجود دارد که می‌تواند این فرضیه را تأیید کند که دیدگاه عدم حجیت خبر واحد با نظرگاه حجیت خبر واحد گرچه در ظاهر کاملاً متعارض می‌نماید؛ اما این دو رأی در همه جهات در تقابل با یکدیگر قرار ندارند.

۲- از یک سو هر دو گروه با وجود اطلاع از نظر گروه مقابل بر رأی خویش ادعای اجماع کرده‌اند؛ از سوی دیگر نظریه عدم حجیت اخبار آحاد با قاطعیت به شیعیان و حجیت خبر واحد به مخالفان شیعه نسبت داده شده است و این در حالی است که کتب - خصوصاً فقهی - بیان‌کنندگان عدم حجیت اخبار آحاد، مملو از استدلال به روایاتی است که خبر واحد خوانده می‌شوند.

۳- در کلام بسیاری از افرادی که خبر واحد را فاقد مقام علم، عمل و در نتیجه حجیت دانسته‌اند، خبر واحد در مقابل روایات اهل بیت (ع) قرار گرفته است.

۴- تمامی موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد - بدون استثنا - معترف هستند که اخبار محفوظ به قرائن صحت با روایات متواتر، در حجیت و اعتبار برابرند و مورد عمل هستند. ایشان مهم‌ترین قرینه صحت را موافقت با رأی و فتاوی پيروان مکتب اهل بیت (ع) دانسته‌اند و لذا بحث از عدم حجیت خبر واحد هنگامی خودنمایی می‌کند که روایت - که خبر واحد خوانده می‌شود - در تعارض با نظر امامیه باشد و در غیر این موارد مسئله عدم حجیت خبر واحد منتفی است.

۵- یکی از استنادها بر عدم التزام به اخبار آحاد، آیه نبأ است که در آن خبر فاسق مورد تردید قرار گرفته است، نه مطلق اخبار؛ بنابراین آنچه بر عدم حجیت آن حکم شده است نیز اخبار فاسقان است. این مطلب می‌تواند قرینه‌ای مهم و ویژه برای روشن شدن مصادیق خبر واحد در نظر منکران حجیت آن باشد؛ خصوصاً هنگامی که بدانیم یکی از مهم‌ترین مصادیق فاسق نزد امامیان، افرادی هستند که از مکتب اهل بیت (ع) روی گردان شده‌اند و

البته خبر فاسقان در مفهوم گنهکاران و کذابان - چه امامی مذهب باشند و چه غیر امامی - نیز مورد پذیرش هیچ یک از طرفداران حجیت و عدم حجیت خبر واحد نیست.

۶- منکران حجیت خبر واحد در جای جای اظهارات و فتاوی خویش به خبر واحد استناد کرده اند و از سویی موافقان حجیت خبر واحد نیز آن را به طور مطلق نپذیرفته اند و مکرراً روایاتی را به دلیل واحد بودن، کنار نهاده اند. این مطلب می تواند قرابت این دو نظریه را تأیید کند.

۷- بررسی روایاتی که به دلیل واحد بودن مردود اعلام شده اند - چه از سوی معتقدان به عدم حجیت و چه از سوی معتقدان به حجیت - نشان می دهد که اکثر قریب به اتفاق این موارد، متعلق به اخبار نقل شده از سوی غیر شیعیان، اخبار صادر شده در شرایط تقیه و اخباری است که دارای اسناد ضعیف هستند.

۸- هر یک از قرائن و شواهد مطرح شده در اثبات فرضیه این مقاله ممکن است به تنهایی کافی به نظر نرسد و تحقیق گسترده تری را بطلبد که در این مقاله نگنجد؛ اما مجموعه آنها می تواند این فرضیه را مطرح و تقویت کند که با توجه به شرایط بغداد و اواخر قرن چهارم، هنگامی که شیعیان مجال می یابند تا مذهب خود را در قلب حکومت غیر شیعی معرفی کنند، عالمان شیعی تلاش می کنند تا جایگاهی برای شیعه در عالم اسلام بیابند و به جای ایجاد حساسیت ها و بیان تضارب آرا، معارف بلند اهل بیت (ع) را به جهان اسلام معرفی کنند. بنابراین افرادی همچون شیخ مفید و سید مرتضی عدم حجیت خبر واحد را به عنوان یکی از مختصات شیعه مطرح کردند تا در پوشش آن بتوانند بدون ایجاد چالش، نظرات و روایات شیعیان را مطرح کنند و بدون طرح جدایی دو مکتب شیعه و اهل تسنن به رد روایات مخالفان بپردازند. پس از گذر از این سال ها در حالی که شیعه توانست در عصر مرجعیت شیخ طوسی جایگاه بهتری بیابد، حجیت خبر واحد طرح شد؛ اما به دلیل آشفتگی های ایجاد شده در اواخر نیمه اول قرن پنجم، این دیدگاه نتوانست به قوت، ظهور یابد و غلبه آن تا زمان سید بن طاووس و علامه حلی به تأخیر افتاد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۱۱)، واهر الفقه، قم: جامعه مدرسین.
- ابن زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۷)، غنیة النزوع، قم: مؤسسه امام صادق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۲۸)، متشابه القرآن و مختلفه، تهران: کتابخانه مصطفوی.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۱۷)، تقریب المعارف، بی جا، بی نا.
- احمدی، محمد حسن (۱۳۹۹)، «تعمیم حجیت خبر واحد به گزاره های تفسیری و عقیدتی»، جستارهای فقهی و اصولی، ش ۱۹، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- آقاضیاء، ضیاء الدین عراقی (۱۴۲۰)، مقالات الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- آقای بیجستانی، مریم؛ روحانی مقدم، محمد؛ ترحمی، زهرا (۱۳۹۶)، «بازپژوهی حجیت خبر واحد با استناد بر سیره عقلا»، نشریه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، ش ۵۰، ص ۳۵-۵۰.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹)، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- حسین پوری، امین (۱۳۵۸)، حدیث ضعیف و چگونگی تعامل با آن بر پایه رویکرد قدما، پایان نامه دانشگاه قرآن و حدیث شهر ری.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲)، مصباح الاصول، قم: احیاء آثار الامام الخویی.
- درزی رامندی، هادی؛ نیلساز، نصرت (۱۳۹۸)، «نمونه هایی از استناد سیدمرتضی به خبر واحد در تفسیر»، کنگره بزرگداشت سیدمرتضی علم الهدی.
- سبزواری، شیخ علی (۱۳۷۹)، جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیه و بین ائمة الحجاز و العراق، قم: زمینه سازان ظهور امام عصر (عج).
- سید بن طاووس، احمد بن موسی (۱۴۱۱)، بناء المقالة الفاطمیة فی نقض الرسالة العثمانیة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (بی تا). الانتصار، بی جا، بی نا.
- سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (۱۳۵۲)، الجمل العلم و العمل، شارح: ابن براج، مشهد: دانشگاه مشهد.

سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (۱۳۷۶)، الذریعه الى اصول الشریعه، تهران: دانشگاه تهران.
سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (۱۴۱۰)، الشافی فی الإمامة، تهران: مؤسسه صادق علیه السلام.

سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (۱۹۹۸)، امالی المرتضی، قاهره: دارالفکر العربی.
سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (۱۳۶۲)، تمهید الاصول فی علم الکلام، تهران: دانشگاه تهران.
سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (بی تا)، تنزیه الانبیاء، قم: الشریف الرضی.
سیدمرتضی، علی بن الحسین علم الهدی (بی تا)، رسائل الشریف المرتضی، قم: دار القرآن الکریم.
طباطبایی، محمدرضا (۱۳۷۱)، تنقیح الاصول، نجف: حیدریه.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: اسلامیه.
طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، الخلاف، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۷)، العدة فی اصول الفقه، قم: ستاره.
طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷)، المبسوط، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۸)، «حجیت خبر واحد در اثبات گزاره اخلاقی»، نشریه اخلاق و حیانی، ش ۱۶، ص ۷۱-۹۵.

غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹)، دراسات فی علم الدراية، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۰۸)، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، قم: النشر الإسلامی.
فخلعی، محمد تقی؛ عبد خدایی، بشری (۱۳۹۶)، «بازخوانی ادله متنی حجیت خبر واحد در پرتوی سیره عقلا»، نشریه فقه و اصول، ش ۱۰۹، ص ۸۹-۱۰۶.

فیض، علیرضا (۱۳۸۲)، ویژگی های فقه پویا، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
کراجکی، محمد بن علی (۱۴۲۱)، التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة، قم: دار الغدير.
کلانتری، علی اکبر، «اعتبار خبر واحد در مباحث غیر فقهی»، نشریه مطالعات اسلامی، ش ۷۹، ص ۱۹۷-۲۱۹.

مازندرانی، محمد صالح (بی تا)، شرح معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: کتابخانه داوری.

معارف، مجید (۱۳۷۴)، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح.

محقق حلی، جعفر بن حسن (بی تا)، المعتمد، قم: مؤسسه سیدالشهدا.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳)، معارج الأصول، قم: آل البيت (ع).

محمدزاده بنی طرفی، مهدی (۱۳۹۹)، «نقد و بررسی دیدگاه آیت الله خویی (ره) در حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن»، پژوهش های فقهی، ش ۴۲، ص ۴۶۹-۴۸۷.

مددی موسوی، سیدعلیرضا (۱۳۹۳)، «مسئله اجماع قدما در باب حجیت خبر واحد و دیدگاه متقابل سیدمرتضی و شیخ طوسی»، نشریه پژوهش های اصولی، ش ۲۲، ص ۸۹-۱۲۶.

مددی، سیداحمد، وبگاه دروس و آثار سیداحمد مددی موسوی؛

<http://dorous.ir/persian/article/12880>

مشکور، محمدجواد؛ مدیر شانه چپ، کاظم (۱۳۷۵)، فرهنگ فرق اسلامی، آستان قدس رضوی.

مصطفوی فرد، حامد؛ طباطبایی پور، سیدکاظم؛ رئیسیان، غلامرضا (۱۳۹۷)، «حاکمیت پارادایم عدم حجیت اخبار آحاد برگفتمان فقه های شیعی سده ۵-۷»، نشریه فقه و اصول، ش ۱۱۳، ص ۱۳۵-۱۵۹.

مظفر، محمدرضا (بی تا)، اصول الفقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، التذکره بأصول الفقه، قم: کنگره شیخ مفید.

نراقی، احمد (۱۴۱۷)، عوائد الايام، انتشارات المکتب الاسلامی.

References

The Quran.

Abū al-Ṣalāḥ al-Ḥalabī, Taqī b. Najm. 1417 AH. *Taqrīb al-ma'ārif*. N.p.

Aghaee Bejestani, Maryam, Mohammad Rouhani Moghaddam, and Zahra Tarahhomi. 1396 Sh. "Bāz pazhūhī-yi ḥujjiyat-i khabar-i vāhid bā istinād bar sīrih-yi 'uqalā." *Pazhūhish-hāyi fiqh va ḥuqūq-i Islāmī* 14, no. 50: 3550-.

- Ahmadi, Mohammad Hasan. 2020. "Expanding the Authority of the Single Chain of Transmission to Doctrinal & Commentary Propositions." *Justārḥāyi fiqhī va uṣūlī* 6, no. 19: 10936-.
- Alemzadeh Noori, Mohammad. 2019. "The Authority of a Unique Tradition in Proving Moral Statements." *Revelatory ethics* 9, no. 16: 7196-.
- Anṣārī, Murtaḍā al-. 1419 AH. *Farā'id al-uṣūl*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
- Āqā Diyā' al-Dīn al-'Irāqī. 1420 AH. *Maqālāt al-uṣūl*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
- Darzi Ramandi, Hadī and Nosrat Nilsaz. 1398 Sh. "Nimūnih-hāyī az istinād-i Sayyid Murtaḍā bih khabar-i vāḥid dar tafsīr." Congress for Honoring Sayyid Murtaḍā 'Alam al-Hudā.
- Fāḍil al-Ābī, al-Ḥasan b. Abī Ṭālib al-. 1408 AH. *Kashf al-rumūz fī sharḥ al-mukhtaṣar al-nāfi'*. Qom: al-Nashr al-Islāmī.
- Fakhla'i, Muhammad Taqi and Boshra Abdekhoda'i. 2017. "Reappraisal of Textual Evidences of the Authoritativeness of Isolated Tradition in Light of the Intellectuals' Attitude." *Journal of fiqh and usul* 49, no. 109: 89106-.
- Feiz, Alireza. 1382 Sh. *Vīzhigīthāyī fiqh-i pūyā*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ghaffari, Ali Akbar. 1369 Sh. *Dirāsāt fī 'ilm al-dirāya*. Tehran: Imam Sadiq University.
- Hosseinpouri, Amin. 1358 Sh. "Ḥadīṣ-i ḡa'īf va chigūnigī-yi ta'āmul bā ān bar pāyih-yi rūykard-i qudamā." PhD diss. Quran and Hadith University, Rey.
- Ibn Barrāj, 'Abd al-'Azīz. 1411 AH. *Wāḥir al-fiqh*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad b. Aḥmad. 1410 AH. *Al-Sarā'ir al-ḥāwī li-taḥrīr al-fatāwī*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad b. 'Alī. 1328 AH. *Mutashābih al-Qur'ān wa-mukhtalafuh*. Tehran: Mostafavi Library.
- Ibn Zuhra, Ḥamza b. 'Alī. 1417 AH. *Ghunyat al-nuzū'*. Qom: Imam Sadiq Institute.

- Kalantari, Ali Akbar. 1387 Sh. "I'tibār-i khabar-i vāḥid dar mabāḥiṣ-i ghayr-i fiqhī." *Muṭāli'āt-i Islāmī*, no. 79: 197219-.
- Karājakī, Muḥammad b. 'Alī al-. 1421 AH. *Al-Ta'ajjub min aghlāṭ al-'amma fi mas'alat al-imāma*. Qom: Dār al-Ghadīr.
- Khoei, Abu al-Qasim. 1422 AH. *Miṣbāḥ al-uṣūl*. Qom: Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khoei.
- Maaref, Majid. 1374 Sh. *Pazhūhishī dar tārikh-i ḥadīṣ-i Shī'ih*. Tehran: Zarih Cultural-Art Institute.
- Madadi Mousavi, Seyed Alireza. 1393 Sh. "Mas'alih-yi ijmā'-i qudamā' dar bāb-i ḥujjiyat-i khabar-i vāḥid va dīdgāh-i mutaḳābil-i Sayyid Murtaḍā va Shaykh Ṭūsī." *Pazhūhish-hāyi uṣūlī* 6, no. 22: 89126-.
- Madadi, Sayyid Ahmad. Websites of the Lectures of Sayyid Ahmad Madadi Mousavi. <http://dorous.ir/persian/article/12880>.
- Mashkour, Mohammad Javad and Kazem Modirshanechi. 1375 Sh. *Farhang-i firaq-i Islāmī*. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Māzandarānī, Muḥammad Ṣālīḥ al-. n.d. *Sharḥ ma'ālim al-dīn wa-malādh al-mujtahidīn*. Qom: Davari Library.
- Mohammadzadeh Bani Torfi, Mahdi. 2020. "Review of Ayatollah Khoei's View on the Authority of the Narration with a Single Transmitter in the Commentary of the Qur'an." *Islamic jurisprudence research* 16, no. 42: 46987-.
- Mufid, Muḥammad b. Muḥammad b. Nu'mān al-. 1413a AH. *Awā'il al-maḳālāt fi al-madhāhib wa-l-mukhtārāt*. Qom: World Congress for the Millennium of al-Shaykh al-Mufid.
- Mufid, Muḥammad b. Muḥammad b. Nu'mān al-. 1413b AH. *Al-Tadhkira bi-uṣūl al-fiqh*. Qom: Shaykh Mufid Congress.
- Muḥaqqiq al-Ḥillī, Ja'far b. al-Ḥasan al-. 1403 AH. *Ma'ārij al-uṣūl*. Qom: Al al-Bayt.
- Muḥaqqiq al-Ḥillī, Ja'far b. al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Mu'tabar*. Qom: Sayyid al-Shuhada Institute.

- Mustafawifard, Hamed, Sayyid Kazem Tabatabaeipour, and Gholamreza Ra'isiyan. 2018. "Sovereignty of the Paradigm 'Non-validity of Isolated Traditions' over the Discourse of 57- Century Shī'a Jurists." *Journal of fiqh and usul* 50, no. 113: 13559-.
- Muzaffar, Muḥammad Riḍā. n.d. *Uṣūl al-fiqh*. Qom: Islamic Propagation Office.
- Narāqī, Aḥmad al-. 1417 AH. *ʿAwā'id al-ayyām*. Tehran: al-Maktab al-Islāmī.
- Sabzawārī, Shaykh ʿAlī al-. 1379 Sh. *Jāmi' al-khilāf wa-l-wifāq bayn al-Imāmiyya wa-bayn āimmat al-Ḥijāz wa-l- Irāq*. Qom: Zamīnih-Sāzān-i Zuhūr-i Imām ʿAṣr.
- Sayyid b. Tāwūs, Aḥmad b. Mūsā. 1411 AH. *Binā' al-maqālat al-Fāṭimiyya fī naqd al-risālat al- Uthmāniyya*. Qom: Al al-Bayt Institute.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. 1352 Sh. *Jumal al- ʿilm wa-l- ʿamal*. Mashhad: University of Mashhad.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. 1362 Sh. *Tamhīd al-uṣūl fī ʿilm al-kalām*. Tehran: University of Tehran.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. 1376 Sh. *Al-Dharīʿa ilā uṣūl al-sharīʿa*. Tehran: University of Tehran.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. 1410 AH. *Al-Shāfiʿī fī al-Imāma*. Tehran: Sadiq Institute.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. 1998. *Amālī al-Murtaḍā*. Cairo: Dār al-Fikr al-ʿArabī.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. n.d.(a). *Al-Intiṣār*. N.p.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. n.d.(b). *Tanzīh al-anbiyā'*. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī b. al-Ḥusayn ʿAlam al-Hudā. n.d.(c). *Rasā'il al-Sharīf al-Murtaḍā*. Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1372 Sh. *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Nasser Khosrow.

- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Riḍā. 1371 AH. *Tanqīḥ al-uṣūl*. Najaf: Ḥaydariyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1364 Sh. *Tahdhīb al-aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1387 Sh. *Al-Mabsūṭ*. Tehran: Al-Maktabat al-Murtaḍawiyya li-Iḥyā' al-Āthār al-Ja'fariyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1390 Sh. *Al-Istibṣār fīmā ikhtalaḥ min al-akhbār*. Tehran: Islāmiyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1417 AH. *Al-'Udda fī uṣūl al-fiqh*. Qom: Setareh.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d.(a). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d.(b). *Al-Khilāf*. Qom: Islamic Publishing Institute.